

مطالعه هویت نسل دوم ایرانیان خارج از کشور

پروانه دانش*، عاصفه توکلی**

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۲۲

چکیده

بررسی جامعه‌شناختی نسل دوم ایرانیان خارج از کشور، به‌مثابه نیروی انسانی مؤثر در هدف‌های توسعه‌ای و به‌مثابه یکی از عوامل اصلی سرمایه انسانی در روند توسعه، ضروری است. در پژوهش حاضر مجموع مطالعات انجام‌شده در این حوزه که در فاصله سال‌های (۱۳۹۳-۱۳۷۳) در داخل و خارج از کشور نگاشته شده‌اند، با استفاده از روش تلفیق پژوهش‌های ترکیبی، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج پژوهش، در تعریف نسل دوم، مفهوم ذهنیت نسلی بدون محدودیت سنی به‌کار رفته‌است و سطح تحلیل در پژوهش‌ها، بیشتر خرد و میانه بوده‌است. درحالی‌که مطالعات سوئد و استرالیا الگوی یکپارچه هویتی را در این نسل شناسایی کرده‌اند، مطالعات نسل دوم در آمریکا، بحران و پنهان‌سازی هویت را تشخیص می‌دهند. همچنین، درحالی‌که بیشتر پژوهش‌ها در سطح تحلیل خرد و میانه قرار دارند و هویت ملی با مؤلفه‌هایی مثل سن کودک هنگام ورود، محل تولد، زبان، ارتباط با ایرانیان و اعضای خانواده ایرانی، طبقه اجتماعی والدین، قصد بازگشت به ایران، گروه‌های مرجع و غیره تحلیل شده‌است اما پژوهش‌هایی که بحران هویت را در آمریکا شناسایی کرده‌اند، عوامل کلان را برای تبیین این پدیده به‌کار برده‌اند؛ عواملی مثل جریان‌سازی رسانه‌های بین‌المللی و ساخت «دیگری» از اسلام و ایران. به نظر نویسندگان، نظریات شرق‌شناسی ادوارد سعید و بازنمایی رسانه‌ها از اسلام، نظریاتی هستند که بحران هویت در نسل دوم ایرانیان خارج از کشور در آمریکا را، به‌دقت، تبیین می‌کنند و برای احراز هویت در این نسل، ضروری است سیاست‌گذاری‌های فرهنگی بر پایه این راهبردهای کلان تدوین شوند.

کلیدواژه: نسل دوم، هویت، بحران هویت، ایرانیان خارج از کشور، شرق‌شناسی.

مقدمه

هویت، به عنوان عامل کنترل کننده توسعه و تضمین کننده پایداری فرهنگی است (عیوضی، ۱۳۸۹: ۱۱). همچنین، نیروی انسانی یکی از مهم ترین عوامل انکارناپذیر در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه است و سیاست گذاری برای نیروی انسانی یکی از اهداف توسعه ای محسوب می شود. احراز هویت و انسجام اجتماعی از جمله سیاست گذاری های فرهنگی و بخش بنیادی توسعه پایدار است (اشتریان، ۱۳۸۱: ۱۰).

در سیاست گذاری فرهنگی - هویتی که متضمن توسعه است شناخت نیروی انسانی ضرورت می یابد. در این رویکرد، نسل دوم^۱ ایرانیان خارج از کشور به مثابه نیروی انسانی مؤثر در هدف های توسعه ای و به عنوان یکی از عوامل اصلی سرمایه انسانی ضرورت بررسی دارند. زیرا از دست دادن این نیروی انسانی به مفهوم از دست دادن یکی از سرمایه های اصلی کشور است و حفظ آنها توسعه فرهنگی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. از آنجا که دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار اساساً یک هدف بلندمدت است، شناخت و بهره مندی از نسل دوم ایرانیان خارج از کشور در سیاست گذاری های فرهنگی ضروری است. مطالعات انجام شده در خصوص مهاجران و ایرانیان خارج از کشور، تاکنون بر مهاجران بزرگسال متمرکز بوده اند (ژو و کای^۲، ۲۰۰۲). کودکان مهاجر^۳ و فرزندان مهاجران^۴ تنها در دو دهه اخیر و با افزایش تعداد مسائل هویتی آنان در کانون بررسی های مرتبط با مهاجران قرار گرفته اند.

در بررسی ویژگی های مهاجران به منظور کاربرد در سیاست گذاری های فرهنگی، مسئله کودکان مهاجر از پیچیدگی های بیشتری برخوردار است.

کودکان ایرانی مهاجر خارج از کشور، در فضایی متکثر و بینابینی، در جامعه میزبان متولد می شوند و یا همراه با والدین در کودکی به کشور دیگری وارد می شوند. عده ای از آنان یا هرگز ایران را ندیده اند یا تصور بسیار مبهمی از ایران دارند، شناخت آنان از ایرانیان بسیار محدود است و روابط اجتماعی آنان از آغاز در جامعه مقصد شکل می گیرد و در عین حال که فرهنگ ایرانی خانواده، آنان را متأثر می کند، اما با کاربرد عناصر فرهنگی جامعه میزبان روند اجتماعی شدن را طی می کنند (مهدی، ۱۹۹۸: ۷۸). چنان که می توان گفت این کودکان، همزمان زیستن در دو فضا را همزمان تجربه می کنند: فرهنگ مادری و فرهنگ جامعه میزبان.

کودک مهاجر، در محیطی غیر از جامعه مادری بزرگ می شود و تعلق عاطفی او به قومیت اولیه یا تعلق به مقصد و همانندسازی او با جامعه میزبان، هویت یابی متفاوتی را برای وی فراهم می کند (هوارد^۵، ۲۰۰۰: ۳۷۴). کودک بسته به تعلقات، باورها و رفتارهای مشترک و مشابه، خود را به یک قومیت متعلق می داند. ارتباطات، شبکه های فردی و اجتماعی و نظام فرهنگی در جامعه مبدأ و مقصد در شکل بخشیدن به هویت ملی وی بسیار مؤثرند. علاوه بر این، با توجه به جریان های بین المللی و رویکردهای متفاوت کشور میزبان، نسل دوم، هویت های متفاوتی در کشورهای مختلف خواهند داشت و یکسان پنداشتن هویت ملی کودکان در کشورهای مختلف به عنوان مثال در آمریکا و اروپا، نوعی تقلیل گرایی است که سیاست گذاری های فرهنگی را از دستیابی به اهداف اصلی منحرف می کند.

با توجه به محدودیت مطالعات انجام شده در حوزه هویت نسل دوم ایرانیان خارج از کشور و پراکندگی مطالعات در کشورهای گوناگون، تحلیل پژوهش های

1. second generation
2. Zhou & Cai
3. immigrant children
4. children of immigrant

5. Howard

مهاجران بعد از همانند شدن با محیط، به یگانگی با محیط و فضای اجتماعی می‌رسند و به صورت جزئی از جامعه مقصد در می‌آیند. این نظریه، هویت مهاجران را یکپارچه می‌پندارد و تنها تعادل میان مهاجران و جامعه جدید را می‌پذیرد و از این رو، یک‌سونگرانه است (لهسای زاده، ۱۳۷۲: ۱۵).

در نظریه وابستگی مهاجرت، پدیده مهاجرت، در چارچوب مفاهیم سرمایه‌داری جهانی و توسعه‌یافتگی مطرح می‌شود. از این منظر، مهاجرت معلول توسعه نابرابر است و به تعمیق نابرابری در جامعه می‌انجامد. از نظر طرفداران این نظریه تا زمانی که وضعیت نابرابر میان کشورهای عقب‌مانده و توسعه‌یافته از بین نرود، به حداقل رساندن مهاجرت امکان‌پذیر نیست. (همان).

مدل جذب و دفع، بر اساس نظریات هربل^۲ شکل گرفته است. این مدل مهاجرت را ناشی از دو عامل می‌داند: الف) نیروهای دافعه یا عواملی که باعث می‌شوند فرد مکان زندگی خود را ترک کند یا او را ناراضی می‌کنند. ب) نیروهای جاذبه یا عواملی که سبب می‌شوند فرد به سوی مکان دیگری جذب شود یا او را به مهاجرت تشویق و تحریک می‌کنند. در دیدگاه اخیر، نظریه اورت لی^۳ از جامعیت بیشتری برخوردار است. وی در یک نگرش به نسبت جامع، به نقش عوامل منطقه مبدأ، عوامل منطقه مقصد، موانع و عوامل مداخله‌گر و عوامل شخصی در مهاجرت توجه کرده است (لی، ۱۳۷۲: ۶۱). در نظریه جذب و دفع لی تبیین کامل‌تری از مهاجرت ارائه شده است. زیرا عوامل جاذب و دافع در هویت‌یابی مهاجران بسیار مؤثرند. در این دیدگاه، ویژگی‌های هویتی مهاجران با توجه به ترکیب عوامل جذبی، دفعی و خشی در مبدأ و مقصد متفاوت است.

در این مقاله و در خصوص ساخت هویت در

فوق روشی است که استفاده از برابری یافته‌های پژوهشی گوناگون را جهت سیاست‌گذاری فرهنگی فراهم می‌کند. از آنجا که یکی از عوامل تأثیرگذار بر عدم استفاده از سرمایه انسانی در خارج از کشور، وجود کاستی‌هایی در مطالعات انجام‌شده درباره مهاجران و مخصوصاً نسل دوم ایرانیان خارج از کشور است، هدف پژوهش حاضر این است که مطالعات منفرد و پراکنده، یکپارچه‌سازی شوند و ویژگی‌های این گروه برای کاربرد در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، تحلیل و رویکردهای اصلی برای مطالعه این گروه، پیشنهاد شود.

مبانی نظری

مهاجرت یکی از عوامل برساننده هویت است و این امکان را فراهم می‌آورد که فرهنگ‌های مختلف در کنار هم قرار گیرند؛ فرهنگ‌هایی که اغلب همسو و تقویت‌کننده هم نیستند و گاهی در کنار یا تضاد با هم قرار می‌گیرند (فردمن و هورنزایک، ۲۰۰۰: ۸۱). مهاجرت زمینه لازم را برای تغییرات فرهنگی و هویتی پدید می‌آورد. در میان دیدگاه‌های مربوط به مهاجرت و چگونگی شکل‌گیری هویت در ارتباط با آن، سه دیدگاه «کارکردگرایی»، «وابستگی» و «جذب و دفع» را می‌توان برشمرد.

در نظریه کارکردگرایی، تأکید بر کارکردها و پیامدهای پدیده مهاجرت است. طبق این دیدگاه، وقتی در یک نظام اجتماعی، نیازهای کنشگران برآورده نشود، احتمال اینکه کنشگران دست به مهاجرت بزنند زیاد است. در این دیدگاه، مفاهیمی نظیر جذب و یگانگی اهمیت اساسی دارد و از نظر هویتی و فرهنگی، بر این نکته تکیه می‌شود که پس از ورود مهاجران به جامعه مقصد، این جامعه آنها را در خود جذب و سپس با خود همانند می‌کند.

2 . Herbell
3 . Everett Lee

1. Ferdman & Horenczyk

که آنان به هویت اجتماعی معرف وضعیت خاص شان در جامعه، دست می‌یابند (دوران و محسنی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). با توجه به فرض سیال بودن هویت، هویت مهاجران نیز در فرایند انتقال مکانی از هویت ملی به هویت قومی مبدل می‌شود و هویت آنان بر پایه اقلیت بودن در جامعه میزبان شکل می‌گیرد. برای درک هویت نسل دوم مهاجر، بحث قومیت و هویت قومی بسیار اهمیت دارد. ماکس وبر، گروهی را که اعضایش نسبت به پیشینه تاریخی، فرم فیزیکی، آداب و رسوم و خاطرات مشترک، باور مشابه یا یکسانی داشته باشند، «گروه قومی» می‌داند (بورگاتا، ۱۹۹۲ به نقل از صباغ‌پور، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

دیوید رابرتسون^۴ نیز قومیت را ترکیب پیچیده‌ای از ویژگی‌های فرهنگی، نژادی و تاریخی می‌داند که با تکیه بر آن، جوامع، به خانواده‌های سیاسی مجزا و گاه خصمانه تقسیم می‌شوند (رابرتسون، ۱۹۹۳ به نقل از صباغ‌پور، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

علاوه بر تعلق به گروه قومی از بدو تولد، مراحل اجتماعی شدن در انسان نیز برای مفهوم قومیت، اهمیت بسزایی دارد. طبق بررسی‌های مختلف، آموزش مادر در خصوص هویت قومی، جهت‌یابی و دانش و فرهنگ او، زبان صحبت در خانواده، تحصیلات پدر و مادر و میزان ارتباط اجتماعی خانواده، در هویت قومی کودکان بسیار اهمیت دارد (هوارد، ۲۰۰۰: ۳۷۴).

البته درباره هویت قومی در مهاجرت، باید به عوامل دیگری نیز در ارتباط میان افراد جامعه مبدأ و مقصد توجه داشت. مطالعات ایچیماما^۵ نشان می‌دهد، دانش‌آموزان مهاجر، در بافتی که هویت قومی آنان با ننگ مواجه می‌شود، کاهش چشمگیری در هویت قومی نشان می‌دهند. در چنین شرایطی، این افراد نیاز دارند در موقعیت‌های اجتماعی‌ای که تأییدشان

ارتباط با مهاجرت، هویت نه امری طبیعی و از پیش تعیین شده، بلکه پدیده‌ای است محصول زمان و شرایط اجتماعی و با منطق فرا تاریخی تعیین نمی‌شود. بر این اساس، نمی‌توان هویتی پایدار داشت بلکه با جنکینز (۱۳۸۱) هم عقیده‌ایم که، در طول زمان هویت افراد دگرگون می‌شود و افراد همواره در فرایندی مستمر، در حال انطباق با محیط خویش هستند (جنکینز، ۱۳۸۱). استوارت هال نیز، هیچ‌گاه ماهیت ثابت بنیادی یا ماندگاری برای انسان قائل نمی‌شود بلکه او را در زمان‌های متفاوت، دارای هویت‌های مختلف می‌داند (هال^۱، ۲۰۰۰: ۲۲). به نظر گیدنز نیز هویت مانند پروژه زندگی است که پیوسته و مداوم در حال تغییر است. هویت، سیال و همواره در حال ایجاد و عوض شدن است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰). بر اساس نظر این عده که بر سیال و غیر شفاف بودن هویت‌ها تأکید دارند، هویت خالص و اصیل وجود ندارد و افراد در پی تشکیل هویت‌های تازه برای خود هستند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸۶).

نظریه‌های شناخت اجتماعی نیز، از جمله نظریات روان‌شناسی اجتماعی هستند که در حوزه هویت، بحث‌های قابل توجهی ارائه کرده‌اند. این دیدگاه، با عنوان «خود مقوله‌بندی»^۲ از سوی تاجفیل و ترنر^۳ مطرح شده‌است. آنان عضویت در گروه اجتماعی مشخص را به عنوان تعریف «خود» پذیرفتند. به این معنا که در هویت اجتماعی، تعریف شخص از «خود»، بر اساس برخی از عضویت‌های گروهی اجتماعی و با ملاحظات ارزشی و احساسی مقارن است. بنابراین، هویت اجتماعی به عنوان آگاهی فرد از تعلق به یک گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد، مفهوم‌سازی شده‌است و با تعلق افراد به گروه‌های متفاوت است

4. Robertson
5. Ichiyama

1. Hall
2. self-categorization
3. Tajfel & Turner

روش‌شناسی

در این پژوهش به منظور تحلیل پژوهش‌های منفرد در موضوع نسل دوم ایرانیان خارج از کشور از روش تلفیق پژوهش‌های ترکیبی^۱ استفاده شده است. با رشد پژوهش‌های کیفی در حوزه‌های گوناگون و روش‌های تلفیقی، روش‌های متنوعی نیز برای ترکیب و تحلیل نتایج پژوهش‌های کیفی پیشنهاد شده‌اند (پتی‌کرو و رابرتز^۲، ۲۰۰۶). فرامردم‌نگاری^۳ (نوبلیت^۴، ۱۹۸۸)، فراتلفیق کیفی^۵ (سندلوسکی و باروسو^۶، ۲۰۰۶)، تلفیق و تحلیل موضوعی^۷ (توماس و هاردن^۸، ۲۰۰۸)، فراتحلیل داده‌های کیفی (پترسون و همکاران^۹، ۲۰۰۱) و تلفیق پژوهش‌های ترکیبی (کمی/کیفی) (سندلوسکی و همکاران، ۲۰۰۷)، برخی از این روش‌ها هستند. فراتحلیل کیفی، تلفیق مجموع پژوهش‌های کیفی اتمام یافته در حوزه مطالعاتی معین است و از آن برای ترکیب تفسیری نتایج پژوهش‌های کیفی بهره گرفته می‌شود (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۶). این رویکرد با استفاده از تفسیر نتایج پژوهش‌های کیفی، نتایج تفسیری و تبیینی را فراهم می‌کند (پترسون و همکاران، ۲۰۰۱).

در این پژوهش با توجه به اینکه تمام پژوهش‌های مورد مطالعه کیفی نیستند، روش فوق کارآمد نیست اما روش تلفیق پژوهش‌های ترکیبی راه‌گشاست. این روش تلفیق سیستماتیک پژوهش‌های کیفی، کمی و ترکیبی است که هدف پژوهشی مشترکی دارند. این روش، امکان ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌ها را به روش‌های کمی و کیفی فراهم می‌کند (سندلوسکی و همکاران، ۲۰۰۷).

می‌کند، قرار گیرند (همان).

در مبحث هویت قومیت‌ها نکته مهم دیگر این است که کشور مبدأ، چگونه نسبت به اجتماعات اقلیت‌ها واکنش نشان می‌دهد و چگونه این اجتماعات خود را با جامعه بزرگ‌تر ادغام می‌کنند یا کنار گذاشته می‌شوند؟ در جوامعی که خود را چند فرهنگی می‌دانند، دو وضعیت برای مهاجران پیش می‌آید: وضعیت اول، حالتی است که در آن، حق حیات برای اجتماع مهاجران و فرهنگ‌های آنان به رسمیت شناخته شده است، اما این گروه‌ها از حقوق برابر برخوردار نیستند و ممکن است به لحاظ فرهنگی پایین‌تر در نظر گرفته شوند، اما در وضعیت دوم، وجوهی از اندیشه ایده‌آل شهروندی برابر که طبقات و گروه‌های منزلتی، پیش‌تر در مورد آن به توافق رسیده‌اند، به گروه‌های مهاجر نیز بسط داده می‌شود و در همان حال، حق آنان برای حفظ هویت فرهنگی به رسمیت شناخته می‌شود (رکس، ۱۳۸۰: ۱۷۹). در این شرایط، یعنی در جوامع چند فرهنگی، به دلیل پذیرش هویت اقوام، مهاجران با فرهنگ مقصد، بیشترین انطباق را پیدا می‌کنند و تلاش برای حفظ هویت قومی تا حدی کاهش می‌یابد اما برعکس، در جوامعی که اقلیت‌ها با مشکل مواجه شده و استراتژی مدیریت مستقیم فشار برای یکپارچگی گروه اقلیت وجود دارد، افراد هر چه بیشتر هویت قومی را حفظ می‌نمایند (هوارد، ۲۰۰۰: ۳۶۹).

در رویکرد این پژوهش، هویت در نتیجه مهاجرت هرچه بیشتر در معرض تغییر و سیالیت قرار می‌گیرد و دشواری‌های ساخت هویت مضاعف می‌شود. همچنین ویژگی‌های خرد و کلان مرتبط با جامعه مقصد و میزبان، ساخت هویت نسل دوم را تعیین می‌کند. ویژگی‌های خرد از قبیل مشخصه‌های فرهنگی و ارتباطی فرد و خانواده و ویژگی‌های کلان همانند ساختار جامعه مقصد در ارتباط با گروه‌های قومی، مهاجران و ...

1. mixed research synthesis
2. Petticrew & Roberts
3. meta - ethnology
4. Noblit
5. qualitative meta-synthesis
6. Sandelowski & Barroso
7. thematic analysis/synthesis
8. Thomas & Harden,
9. Paterson et al.

یافته‌های تحقیق

۱. تعاریف نظری نسل دوم

در تعریف نسل دوم ۴۲/۸ درصد، نسل دوم را شامل کسانی دانسته‌اند که «در کشور مقصد به دنیا آمده، حداقل یکی از پدر و مادرشان خارجی بوده و یا در سنین کودکی به کشور میزبان وارد شده‌اند.» همچنین، ورود به کشور میزبان قبل از ۱۳ سالگی و ۵ سالگی، و همچنین، گروه سنی ۷ تا ۱۲ سال که بیش از یک سال در خارج از کشور اقامت داشته‌اند و فرزندان کسانی که بین سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ مهاجرت کردند، تعاریف دیگر از نسل دوم در پژوهش‌هاست. همان‌طور که مشاهده می‌شود به‌رغم پراکندگی تعاریف، غیر ایرانی بودن یکی از والدین و اقامت در خارج از کشور در حین دوران جامعه‌پذیری از مشخصه‌های اصلی تعاریف نسل دوم است.

با توجه به موضوع، اهداف و روش تحقیق، جمعیت‌آماری این پژوهش متشکل است از مجموعه تحقیقات کیفی و کمی در حوزه نسل دوم ایرانیان خارج از کشور، طی بیست سال گذشته (۱۳۹۰-۱۳۷۰)/ (۱۹۹۴-۲۰۱۴) که در داخل یا خارج از کشور انجام شده‌اند. بدین منظور، با در نظر گرفتن ضوابط مورد تأکید در این روش، در مجموع ۱۰ پژوهش شناسایی و انتخاب شدند. قابل ذکر است آن دسته از پژوهش‌هایی که نسل دوم مفهوم اصلی آنها نبوده، در این فهرست قرار نگرفته‌اند. تجزیه و تحلیل نیز براساس تفسیر و تحلیل محتوای این پژوهش‌ها انجام شده است. ۱۵ متغیر اصلی پژوهش عبارت‌اند از: تعریف نسل دوم، چارچوب نظری مقالات، روش‌شناسی، میدان مطالعه شده، تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات، تعداد نمونه، سطح تحلیل، روش نمونه‌گیری، سن نمونه‌ها و نتیجه‌گیری مقالات شامل، عناصر یافته‌های اصلی در مقالات، مؤلفه‌های هویت‌بخش، بحران هویت، عوامل بحران هویت، تحلیل ابعاد هویتی، تغییر و روند هویت در نسل دوم.

جدول ۱. تعریف نظری نسل دوم در مقالات

درصد در مقاله‌ها	تعاریف نسل دوم
۴۲/۸	۱. در مقصد به دنیا آمده، حداقل یکی از پدر و مادرشان خارجی بوده و یا در سنین کودکی به کشور میزبان وارد شده‌اند.
۱۴/۳	۲. در مقصد به دنیا آمده، حداقل یکی از پدر و مادرشان خارجی بوده و یا قبل از سن ۱۳ سالگی به کشور میزبان وارد شده‌اند.
۱۴/۳	۳. در مقصد به دنیا آمده، حداقل یکی از پدر و مادرشان خارجی بوده و یا قبل از ۵ سالگی به کشور میزبان وارد شده‌اند.
۱۴/۳	۴. در گروه سنی ۷ تا ۱۲ سال قرار داشته و بیش از یک سال در خارج از کشور اقامت داشته‌اند.
۱۴/۳	۵. فرزندان کسانی که بین سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ از ایران مهاجرت کردند.
۱۰۰	جمع

۲. چارچوب نظری مقالات

پژوهش‌ها فاقد بخش نظری هستند، بیشترین بخش مربوط به نظریه‌های جامعه‌شناختی است که تحرک صعودی در اقلیت‌های قومی، تحلیل مدل‌های ادغام،

سهم نظریات مختلف در تبیین ویژگی‌های هویتی نسل دوم یکسان نیست. درحالی‌که ۲۰ درصد

دستاوردهای تحصیلی، نقش والدین و طبقه (۱۰ درصد)، هویت و نقش متن و فرهنگ متن در ساخت هویت: نظریه هال (۱۵ درصد) کنش متقابل نمادین، نظریه احساس، شناخت و آمادگی برای عمل تاجفل (۱۰ درصد) جامعه‌شناسی زبان و دوزبانگی (۱۰ درصد) نظریه‌های اصلی این بخش بوده‌اند.

نظریه‌های روان‌شناختی (کاربرد نظریه اریکسون) ۱۰ درصد و نقش متن و فرهنگ متن در ساخت هویت: نظریه هال (۱۵ درصد) کنش متقابل نمادین، نظریه احساس، شناخت و آمادگی برای عمل تاجفل (۱۰ درصد) جامعه‌شناسی زبان و دوزبانگی (۱۰ درصد) نظریه‌های اصلی این بخش بوده‌اند.

نظریه‌های روان‌شناختی (کاربرد نظریه اریکسون) ۱۰ درصد نیز مربوط به نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی است که تصویرسازی رسانه‌ها از اقلیت قومی و تأثیر بر پنداره شخصی، هویت‌یابی گروهی، حافظه جمعی و مشارکت سیاسی تحلیل شده‌است.

جدول ۲. چارچوب نظری مقالات

مقاله	نظریه‌ها	مقوله نظریه
۱۰	۱. تحرک صعودی در اقلیت‌های قومی: تحلیل مدل‌های ادغام، دستاوردهای تحصیلی، نقش والدین و طبقه.	نظریه‌های جامعه‌شناختی
۱۵	۲. ساخت اجتماعی هویت و نقش متن و نقش فرهنگ متن در ساخت هویت: نظریه هال.	
۱۰	۳. نظریه کنش متقابل نمادین، نظریه احساس، شناخت و آمادگی برای عمل تاجفل.	
۱۰	۴. جامعه‌شناسی زبان و دوزبانگی	
۱۰	نظریه هویت اریکسون	نظریه‌های روان‌شناختی
۱۰	۱. تصویرسازی رسانه‌ها از اقلیت قومی و تأثیر بر پنداره شخصی: محدود به توصیف مدل کارلسون	نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی
۱۵	۲. هویت‌یابی گروهی، حافظه جمعی و مشارکت سیاسی.	
۲۰	فاقد بخش نظری	
۱۰۰	جمع	

۳. روش‌شناسی مقالات

می‌دهد. با توجه به اینکه دسترسی به جامعه آماری نسل دوم ایرانیان خارج از کشور وجود ندارد و گروهی بسیار متنوع هستند، روش نمونه‌گیری در اکثر موارد گلوله برفی بوده‌است (جدول شماره ۳).

همچنین، سن نمونه‌ها بسیار متغیر بوده‌است. درحالی‌که جامعه هدف برخی از پژوهش‌ها کودکان نسل دوم ۷ تا ۱۲ سال بوده‌اند، در برخی نمونه‌ها نسل دوم ۶۴ ساله نیز تحلیل شده‌است. همچنین، سطوح تحلیل مقالات نشان می‌دهد، ۴ مقاله سطح تحلیل خرد داشته‌اند و ویژگی‌های این نسل را در سطح خرد بررسی کرده‌اند، ۳ مقاله در سطح میانه و ۲ مقاله در سطح کلان، ویژگی‌های هویتی این گروه را تحلیل کرده‌اند.

بیشتر مقاله‌های انتشاریافته، از روش کیفی استفاده کرده‌اند. یک پژوهش با استفاده از روش مشاهده‌ای انجام شده و یک مقاله نیز تحلیل ثانویه بوده است. میدان مطالعه ۳ مقاله امریکا، ۳ مقاله سوئد و ۱ مقاله استرالیا بوده است و در ۳ مقاله نیز میدان مطالعه به کشوری خاص محدود نشده است. پراکندگی میدان مطالعه، امکان تحلیل و مقایسه را فراهم می‌کند.

روش نمونه‌گیری همه پژوهش‌ها به غیر از یک مورد، که تمام‌شماری بر اساس سرشماری آمریکا بوده‌است، روش غیر تصادفی و گلوله برفی بوده که دشواری اجرای این پژوهش‌ها و عدم تعمیم را نشان

۴. نتیجه‌گیری مقالات

۴-۱ یافته‌های اصلی

یافته‌های اصلی مقالات را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد: عنصر مفهومی تحلیل شده اصلی در ۵۰ درصد مقالات، ویژگی‌های هویتی قومی و ملی شامل زبان، تاریخ، فرهنگ، جغرافیا، تعلق قومی و الگوهای ادغام نسل دوم است.

این مقالات توصیفی بوده و با ارائه سنخ‌شناسی، ویژگی‌های هویتی را بررسی می‌کنند. شناخت دانش زبانی کودکان در مقوله‌های درک و کاربرد زبان فارسی، تعلق و احساس به تاریخ ایران و مرزهای

جغرافیایی ایران، روندهای هویتی در این نسل و چگونگی تغییرات هویتی افراد در سنین مختلف، تعلق قومی، انتخاب رفتارهای فرهنگی و الگوهای ازدواج، تصور و پنداشت از خود این نسل، آرمان‌سازی یا پنهان‌سازی هویت، بخشی از یافته‌های توصیفی این محور است.

عوامل انطباق نسل دوم، عوامل بر سازنده هویت و بحران هویت در دو بعد خرد و کلان در ۴۰ درصد مقالات، عنصر اصلی پژوهش بوده‌است. تمرکز اصلی این مقالات بر چگونگی انطباق نسل دوم در جامعه میزبان بوده‌است.

جدول ۳. روش‌شناسی مقالات

نویسنده (سال انجام تحقیق)	عنوان تحقیق	روش تحقیق	میدان مطالعه شده	تکنیک جمع‌آوری اطلاعات	تعداد نمونه	سطح تحلیل	روش نمونه‌گیری	سن نمونه‌ها
مهدی (۱۹۹۷)	determinants of adaption For second generation Iranian	مشاهده‌ای	محدود نشده	-	ندارد	خرد	ندارد	ندارد
مهدی (۱۹۹۸)	Ethnic Identity among Second-Generating Iranian in the United States	پیمایش	۴۴ ایالت در آمریکا	پرسشنامه	۴۸ نفر	خرد	غیر تصادفی	۱۷-۲۶ سال
بزرگمهر و داگلاس (۲۰۱۰)	Success(ion): Second-Generation Iranian Americans	تحلیل ثانویه	آمریکا	مطالعه اسنادی اطلاعات ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ اداره سرشماری آمریکا	۱۰۷۷۸	میانه	تمام‌شماری	۱۸ تا ۶۴ ساله
احمدی (۲۰۱۳)	How Second Generation Iranians Understand Their National and Ethnic Identity?	کیفی	سوئد	مصاحبه نیمه باز از طریق ایمیل	۱۵	میانه	گلوله برفی	۲۱-۳۶ سال
احمدی و احمدی (۲۰۱۰)	Ethnic identity: In what extent? A study of the second-generation with Iranian background	کیفی	سوئد	مصاحبه نیمه باز از طریق ایمیل	۱۵	میانه	گلوله برفی	۲۱-۳۶ سال
توکلی و همکاران (۱۳۹۰)	هویت مهاجران؛ تاملی در هویت نسل دوم ایرانیان خارج از کشور	کیفی	محدود نشده (حداکثر پراکندگی)	مصاحبه با متخصصان	۱۵ متخصص	خرد	گلوله برفی	ندارد
توکلی (۱۳۹۱)	میزان و عوامل درک واژگان و ساخت‌های زبانی فرهنگ بنیاد در میان کودکان ایرانی خارج از کشور	کمی	محدود نشده	پرسشنامه	۱۰۶ نفر	خرد	غیر تصادفی	والدین کودکان ۷ تا ۱۲ سال
ادیبی (۲۰۰۳)	Cultural Identity and Change: The Case of Iranian Youth In Australia	کیفی	استرالیا	گروه کانونی	۱۰ گروه کانونی هر گروه ۸-۱۰ نفر	میانه	غیر تصادفی	۱۴-۲۵ سال
کمایی (۲۰۰۹)	The Persian veil: Ethnic and racial self-identification among the adult children of Iranian immigrants in Southern California	کیفی	آمریکا (کالیفرنیا جنوبی)	مصاحبه عمیق	۵۱	کلان	غیر تصادفی	-
کوکلان (۲۰۱۴)	Identity Salience: A Probe Study of Second-Generation Iranian Americans in Southern California	کیفی	آمریکا (کالیفرنیا جنوبی)	مصاحبه نیمه باز	۱۰	کلان	گلوله برفی	محدود نشده

فرهنگی بودن جامعه میزبان، روابط دو کشور، جریان‌سازی بین‌المللی و رسانه‌ها را عامل هویت‌بخش دانسته‌اند و ۴۴/۵ درصد نیز تلفیق عوامل خرد و کلان را مؤلفه‌های هویت‌بخش دانسته‌اند (جدول ۵).

جدول ۵. مؤلفه‌های هویت‌بخش نسل دوم در مقالات

درصد مقاله‌ها	مؤلفه‌های هویت‌بخش
۱۱	خرد: سن ورود، نوع مدرسه، جنس، مدت و قصد اقامت دفعات سفر به ایران، معرفی گروه‌های مرجع، موفقیت جمعیت ایرانیان ساکن در شهر جامعه میزبان
۴۴/۵	کلان: چند فرهنگی یا تک فرهنگی بودن جامعه میزبان، روابط دو کشور، جریان‌سازی بین‌المللی، رسانه‌ها
۴۴/۵	تلفیق خرد و کلان
۱۰۰	جمع

۳-۴ الگوی هویت

۲۲/۳ درصد از مقالات، الگوی یکپارچه هویتی در نسل دوم را شناسایی کرده‌اند. این دسته از مقالات مربوط به مطالعات سوئد و استرالیا است که هویت جهان‌وطنانه، تعلق به فرهنگی مبدأ یا مقصد بدون اثراتی از بحران هویت را تشخیص داده‌اند اما مطالعات مربوط به نسل دوم در کشور آمریکا، بحران هویت و پنهان‌سازی هویت را شناسایی کرده‌اند (جدول ۶).

جدول ۶. شناسایی الگوی هویت در مقالات

درصد مقاله‌ها	شناسایی بحران هویت
۷۷/۷	شناسایی بحران هویت (آمریکا)
۲۲/۳	شناسایی الگوی یکپارچه هویتی (سوئد و استرالیا)
۱۰۰	جمع

۲۰ درصد مقالات به مطالعه تطبیقی هویت نسل دوم بین کشورهای مختلف پرداخته‌اند. مطالعات تطبیقی بین سوئد و آمریکا بوده‌است. در این مقالات، بحران هویت و یا تعلق به فرهنگ جهانی در کشورهای گوناگون تحلیل شده‌است. نقش وقایع بین‌المللی و رسانه در برساخت هویت نسل دوم نیز در ۲۰ درصد موارد در مقالات تحلیل شده‌است که با رویکردی کلان هویت نسل دوم را نتیجه وقایع بین‌المللی و واقعیت‌سازی رسانه‌ها دانسته‌اند. همچنین، ۱۰ درصد، تحرک صعودی نسل دوم و کم شدن شکاف جنسیتی بین زن و مرد در نسل دوم را تحلیل کرده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. یافته‌های اصلی مقالات

درصد مقاله‌ها	نتایج اصلی مقالات
۵۰	۱- ویژگی‌های هویتی قومی و ملی: زبان، تاریخ، فرهنگ، جغرافیا، تعلق قومی، الگوهای ادغام
۴۰	۲- عوامل انطباق، هویت، بحران هویت
۲۰	۳- مطالعه تطبیقی هویت قومی نسل دوم
۲۰	۴- وقایع بین‌المللی، رسانه‌ها و برساخت هویت قومی
۱۰	۵- تحرک صعودی نسل دوم
۳۱۴۰	جمع

۲-۴ مؤلفه‌های هویت‌بخش

با توجه به نتایج اصلی مقالات مشخص شد که ۴۰ درصد از مقالات، عوامل انطباق و بازسازنده هویت را تحلیل کرده‌اند. در مقالاتی که به این موضوع اختصاص یافته‌اند، ۱۱ درصد از مقالات، عوامل خرد را به‌عنوان مؤلفه هویت‌بخش تعریف کرده‌اند، ۴۴/۵ درصد از مؤلفه‌های کلان مثل چند فرهنگی یا تک

۱. با توجه به اینکه برخی مقالات چند پرسش اصلی و در نتیجه چند یافته اصلی داشتند جمع درصدها از صد بیشتر است.

۴-۴ عوامل بحران هویت

عواملی مثل جریان‌سازی رسانه‌های بین‌المللی، ساخت واقعیت علیه اسلام و ایران و ساخت دیگری فرودست عواملی هستند که بحران هویت این نسل را پدید آورده و منجر به پنهان‌سازی هویت در برهه‌هایی خاص از تاریخ می‌شوند (جدول ۷).

پژوهش‌هایی که بحران هویت را در آمریکا شناسایی کرده‌اند، عوامل این بحران را مسائلی خرد مثل سن ورود، جنسیت و گروه‌های مرجع نمی‌دانند بلکه وجود عوامل کلان را در این پدیده مؤثر می‌دانند؛

جدول ۷. عوامل بحران هویت در مقالات

درصد	عوامل بحران هویت
۱۰۰	کلان: جریان‌سازی بین‌المللی، تنش‌های دو کشور، رسانه‌ها

۵-۴ تحلیل ابعاد هویتی

از آن، به معنی اضمحلال «ما» محسوب می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸-۲۱).

سومین بعد هویت اجتماعی، آمادگی برای عمل در یک زمینه رقابتی بین‌گروهی (طبیعتاً به نفع درون گروه) است و این مهم، افزون بر احساس تعلق، نیازمند احساس تعهد نیز هست. این مفهوم در ۲۰ درصد از مقالات تبیین شده است. یک مقاله در سطح خرد، احساس، آگاهی و عمل را در این نسل تحلیل می‌کند و یک مقاله آمادگی برای عمل جمعی در مقابل تبعیض‌ها و تعصبات را در قالب تشکیل انجمن‌ها تحلیل کرده است.

یکی از مهم‌ترین نظریات هویتی، نظریه تاجفل است که هویت را در ابعاد احساس و تعلق عاطفی، شناخت و آمادگی برای عمل به نفع کشور مبدأ یا میزبان تعریف می‌کند. بر اساس این نظر، آگاهی، حدودی از مشترکات گروه است. این مجموعه بر روی هم هم‌فکری (نمادها و اطلاعات مشترک)، هم‌بختی (نفع و اقبال مشترک) و هم‌پیشینگی (پیشینه مشترک) را به هر گروه اجتماعی اعطا می‌کند که برای حفظ «ما» ضرورت دارد. گرایش مثبت، علاقه و جذب به درون‌گروه نیز خمیرمایه اصلی «ما» و فقدان حداقلی

جدول ۸. تحلیل ابعاد هویتی در مقالات

درصد مقاله‌ها	تحلیل ابعاد هویتی (احساس، شناخت و آمادگی برای عمل)
۱۰ درصد	احساس و شناخت هویتی در نسل دوم
۱۰ درصد	آمادگی برای عمل جمعی و مشارکت جمعی در نسل دوم
۱۰۰	جمع

۶-۴ تداوم هویت

اهمیت دارد، زیرا رفتارهای هویتی نسل دوم در دوران مختلف تغییر می‌کند.

از بین پژوهش‌ها این موضوع در یک پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته و نشان داده شده است که این نسل با افزایش هرچه بیشتر سن، تمایل می‌یابند عناصر فرهنگی جامعه میزبان را با فرهنگ ایرانی ترکیب کنند.

با توجه به اینکه سن در نسل دوم عامل متمایزکننده نیست، بلکه جامعه‌پذیری در جامعه میزبان عنصر کلیدی در تعریف نسل دوم است و سن نسل دوم در مقالات، در بازه سنی ۷ تا ۶۴ سال نشان داده شده است، شناخت تداوم و فرایند هویت در این نسل

جدول ۹. تحلیل تداوم هویت در مقالات

تداوم هویت	درصد مقاله‌ها
تغییر و روند هویت در نسل دوم	۱۰
جمع	۱۰۰

۷-۴ روایت هویت در نسل دوم ایرانیان خارج از کشور

نتایج تحقیقات مربوط به هویت نسل دوم ایرانیان خارج از کشور بسیار متنوع بود.

تحلیل هویت قومی و عوامل بازسازنده آن، پنداشت از خود و تعلق این نسل، الگوهای هویتی، بحران هویت، روند تغییر هویتی، تحلیل تطبیقی هویت قومی در این نسل و سنخ‌های ادغام با جامعه میزبان و عوامل فردی و بین‌المللی آن، مهم‌ترین عناصر مفهومی پژوهش‌ها را شکل داده‌اند.

در تحلیل هویت قومی و عوامل بازسازنده آن، برخی از پژوهش‌ها زبان فارسی را به‌عنوان مفهوم اصلی برای شناخت هویت قومی به رسمیت شناخته‌اند (مهدی، ۱۹۹۸؛ توکلی و همکاران، ۱۳۹۰). زبان در عین حال که، خود، مؤلفه هویت ملی است، عامل برجستگی و افزایش سایر ابعاد هویت ملی نیز هست. بر اساس نتایج، کودکان ایرانی خارج از کشور عموماً خود را دوزبانه می‌دانند (مهدی، ۱۹۹۷)، اما زبان قالب آنها، زبان جامعه مقصد است (توکلی و همکاران، ۱۳۹۰). البته بر اساس یافته‌ها سطح مهارت‌های گوناگون زبانی اعم از صحبت کردن، درک کردن، خواندن و نوشتن، متفاوت است. مهارت گوش کردن و فهمیدن کودکان در سطح خیلی خوب است و در مرتبه بعد توانایی صحبت کردن به زبان فارسی قرار دارد.

آزمون‌ها نشان داده‌اند که کودکان ایرانی خارج از کشور درک بالاتری از واژگان به نسبت کاربرد واژگان دارند. بدین معنی که بسیاری از واژه‌های پرسامد و پایه را درک می‌کنند اما نمی‌توانند آن را به‌کار ببرند. بررسی اولویت درک و کاربرد سه مقوله اسم، فعل و صفت نشان می‌دهد که کودکان به ترتیب

مقولات صفت، اسم و فعل را بیشتر درک کرده و به کار برده‌اند (توکلی، ۱۳۹۱).

زبان، به‌عنوان بعد برجسته هویت ملی کودکان مهاجر، از متغیرهای گوناگونی تأثیر پذیرفته است. بر اساس پژوهش‌ها، بین کودکان دختر و پسر در توانایی خواندن و نوشتن و صحبت کردن تفاوتی وجود ندارد (مهدی، ۱۹۹۷؛ توکلی، ۱۳۹۱). اما توانایی صحبت کردن کودکان با سن و تحصیلات آنان رابطه مثبت دارد و هرچه سن و تحصیلات آنان افزایش می‌یابد، بهتر می‌توانند به زبان فارسی تکلم کنند، اما هرچه پدر و مادر در خارج از کشور مدت زمان اقامت بیشتری داشته‌اند کودکانشان کمتر قادر بوده‌اند به زبان فارسی صحبت کنند. بر اساس نتایج اگر چه بسیاری از متغیرها از جمله، نوع مدرسه، تعداد سال‌های درس خواندن در مدرسه ایرانی، مدت اقامت در خارج از کشور و ... به تنهایی با میزان درک و کاربرد واژگان زبان فارسی در میان کودکان رابطه دارند، اما آنچه قابل توجه است این است که درصد بالایی از تغییرات درک و کاربرد زبان فارسی در کودکان به وسیله متغیر «زبان ارتباطی مادر» قابل تبیین است و «زبان ارتباطی مادر» به‌عنوان مهم‌ترین عامل در مدل درک و کاربرد واژگان زبان فارسی شناخته شد (توکلی، ۱۳۹۱). در برخی دیگر از مقالات، تعلق به فرهنگ، جغرافیا، تاریخ ملی و دین به‌عنوان عوامل بازسازنده هویت، مفهوم اصلی پژوهش‌ها بوده است (مهدی، ۱۹۹۸؛ احمدی و احمدی، ۲۰۱۰؛ احمدی، ۲۰۱۳).

تعلق به مکان به‌عنوان یکی دیگر از ابعاد هویت قومی کودکان بررسی شده است که با توجه به آن، فرد بسته به تعلق مکانی، هویت خود را تعریف می‌کند. مفهوم «خانه» و اینکه بیشتر اوقات خود را به کدام مکان ارجاع می‌دهند، هویت کودکان را تعریف می‌کند.

به نظر برخی از پژوهشگران، برای کودکان خارج

از کشور، «خانه» مفهومی دوپهلوی و مبهم است (مهدی، ۱۹۹۸؛ توکلی و همکاران، ۱۳۹۰). بیشتر کودکان خود را ایرانی / متعلق به جامعه میزبان می‌دانند. تعلق به ایران، رتبه دوم و تعلق به جامعه میزبان در مرتبه بعد قرار دارد (مهدی، ۱۹۹۸).

در مطالعه‌ای، فرهنگ در دو بخش توجه به هنجارها و ارزش‌های فرهنگ ایرانی و توجه به میراث فرهنگی اعم از جشن‌ها و اعیاد، معماری و بناها، میراث مکتوب، بررسی شده‌است. بر این اساس، میراث فرهنگی، که وجهی عینی و سمبلیک دارد، هر چه بیشتر در این نسل شناخته و پذیرفته شده‌است اما در هنجارها، که بخش ذهنی فرهنگ است، الگوهای جامعه میزبان بیشتر رواج دارد (توکلی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین، کودکان با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی ایرانی مثل اهمیت خانواده، آشنایی اندکی دارند (مهدی، ۱۹۹۷؛ توکلی و همکاران، ۱۳۹۰). بعد تاریخی، آگاهی، احساس افتخار یا شرمندگی داشتن به ایران و تاریخ آن و پیگیری تحولات و مشارکت در حرکت‌های مربوط به سرزمین مادری در یکی از مطالعات مورد بررسی قرار گرفته‌است. نوجوانان از نمادها و سمبل‌های مرتبط با دوره‌های متفاوت تاریخی استفاده می‌کنند. عده‌ای از آنها ایرانی بودن خود را نفی می‌کنند و علاقه‌ای به تاریخ و فرهنگ ایران ندارند، عده‌ای خود را به ایران باستان و امپراتوری ایران منسوب می‌دانند و به گذشته ایران مفتخرند و تلاش می‌کنند با به‌کارگیری نمادهای تاریخی ایران، پارسی بودن خود را بیان کنند و عده‌ای به ایران کنونی افتخار می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، نوجوانان و جوانان ایرانی وقایع داخل ایران را پیگیری می‌کنند و حتی در خانواده‌هایی که علاقه‌ای به جریان‌های فعلی ایران ندارند، نوجوانان وقایع را دنبال می‌کنند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۰).

در مطالعه‌ای دیگر، تداوم هویت‌یابی و تغییر تعلق مکانی کودکان نشان داده شده‌است. بدین ترتیب که کودکان در سنین کمتر به جامعه میزبان تعلق بیشتری دارند و در فرایند تداوم هویت و با افزایش سن، تعلق بیشتری به خانه ترکیبی (ایران / جامعه میزبان) پیدا می‌کنند (همان).

تحلیل یافته‌ها گویای این واقعیت است که نسل دوم مهاجران ایرانی در دوران کودکی از طریق درونی ساختن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه میزبان، تلاش می‌کنند خود را با گروه همسال آن مکان همانند سازند؛ در تعلقات اجتماعی، خود را متعلق به جامعه میزبان معرفی می‌کنند و در روابط اجتماعی، بر افراد آن جامعه تأکید می‌ورزند. کودکان مهاجر نسل دوم، عموماً مطابق با انتظارات افراد آن جامعه رفتار می‌کنند و از آنجا که بر اساس ارزیابی - فایده، رفتار قومی با تأیید اجتماعی همراه نیست و امنیت هستی‌شناسی برای فرد به همراه نمی‌آورد، به الگوهای رفتاری جامعه میزبان متعهد می‌شوند. طی فرایند تکوین هویت، هویت مهاجر نسل دوم در عموم موارد با تغییراتی همراه می‌شود. مهاجر نسل دوم در ۲۰-۱۸ سالگی، تعلق عاطفی بیشتری نسبت به ایران و ارزش‌های ایرانی - اسلامی احساس می‌کند، نگاهی بازاندیشانه می‌یابد و خود را تا اندازه‌ای به جامعه ایران نسبت می‌دهد و سعی می‌کند عناصر جامعه میزبان را با فرهنگ ایرانی ترکیب کند. مهاجر نسل دوم در این دوران می‌کوشد با تمایز نسبی خود از افراد جامعه میزبان، یکتایی را ارائه دهد. البته فرایند تداوم، تکوین و بازاندیشی در هویت نسل دوم خود به عواملی چون نگرش جامعه میزبان به مهاجران (چند فرهنگی / تک‌فرهنگی بودن)، وقایع سیاسی بین‌المللی، والدین و دلایل مهاجرت آنان و نقش رسانه‌های گوناگون وابسته است که خود پژوهش‌های جداگانه‌ای را ایجاب می‌کند (همان).

دوفرهنگی هستند و به میراث ایرانی خود افتخار می‌کنند. آنان در حالی که از ریشه‌های ایرانی خود آگاه هستند، به سیستم اجتماعی مردم‌سالاری استرالیا احترام می‌گذارند. آنان نوستالژی ایران را ندارند و آینده خود را در استرالیا می‌بینند.

بر اساس نتایج پژوهش احمدی (۲۰۱۳) مصاحبه‌شوندگان در سوئد اشاره‌ای به مواجه شدن با یک هویت پاره شده یا بحران هویت ندارند و در نسل دوم ایرانیان در سوئد بیشتر از نسل دوم در ایالات متحده یک هویت قومی هماهنگ گسترش پیدا کرده‌است.

اما در آمریکا بنا بر یافته‌های توکلی و همکاران (۱۳۹۰) و مهدی (۱۹۹۸)، ایرانیان، به‌طور کامل، با هیچ‌کدام از هویت‌ها شناسایی نمی‌شوند و رفتارهای دوگانه و پنداشت از خود متناقض دارند.

در پژوهش‌ها به نقش دوگانه و مبهم تعلق مکانی کودکان نیز اشاره شده‌است. برای مثال، وقتی از کودکان پرسیده می‌شود: «کجایی هستی؟» در پاسخ می‌گویند: «من کانادایی‌ام، اما پدر و مادرم ایرانی هستند؛ یا من متولد ایرانم، ایرانی - آمریکایی در خانه و در جامعه آمریکایی هستم» (مهدی، ۱۹۹۸؛ توکلی و همکاران، ۱۳۹۰).

با وجود هویت چندفرهنگی در سوئد و استرالیا، کوکلان^۱ (۲۰۱۴) نشان داده‌است، آمریکایی‌های ایرانی تبار هرگز یک تشکل جمعی را شکل نداده‌اند. روشن است که تشکل فرهنگی - سیاسی می‌تواند بسیاری از مشکلات تبعیض را کاهش دهد اما آمریکاییان ایرانی تبار حتی در نسل دوم و آنها که دارای هویت قومی فرهنگی برجسته هستند، فاقد هویت قومی برجسته سیاسی می‌باشند. برای بسیاری از نسل دوم، هویت ایرانی تنها در زمینه‌هایی مثل خانواده، دوستان و مدرسه یا محل کار مهم است.

در برخی از مطالعات، عنصر مفهومی اصلی تحلیل، «تعلقات قومی و پنداشت از خود» این نسل بوده‌است (مهدی، ۱۹۹۸؛ احمدی و احمدی، ۲۰۱۰؛ احمدی، ۲۰۱۳؛ ادیبی، ۲۰۰۳). به‌طوری‌که با استفاده از آن توانسته‌اند الگوی هویتی در این نسل را شناسایی کنند و یا سنخ‌هایی گوناگونی از تعلق را ارائه دهند.

در پژوهش مهدی (۱۹۹۸) نیمی از ایرانیان نسل دوم در آمریکا، خودشان را به عنوان آمریکاییان ایرانی تبار، یک سوم دیگر خود را ایرانی و تنها ۱۰ درصد آمریکایی تعریف می‌کنند.

احمدی و احمدی (۲۰۱۰) نیز چهار الگوهای ادغام را تحلیل کرده‌اند. آنها الگوی اول را «احساس قوی تعلق قومی، ادغام متوسط» می‌نامند. این الگو گروهی را بازنمایی می‌کند که به نظر می‌رسد به حد متوسطی در جامعه سوئد ادغام شده‌اند و یک حس قوی ایرانی بودن را نیز نشان می‌دهند. الگوی دوم «حس تعلق قومی قوی، ادغام خوب» نامیده می‌شود. این الگو کسانی را بازنمایی می‌کند که به نظر می‌رسد در جامعه سوئد خوب ادغام شده‌اند ولی همچنان یک احساس قوی تعلق به قومیت ایرانی دارند. سومین الگو را «تعلق قومی متوسط، ادغام خوب» می‌نامند. این الگو کسانی را بازنمایی می‌کند که به نظر می‌رسد در جامعه سوئد خوب ادغام شده‌اند و یک حس متوسط احساس تعلق به گروه قومی ایرانی را گسترش داده‌اند. الگوی چهارم که «تعلق قومی ضعیف، ادغام خوب» نامیده می‌شود کسانی را بازنمایی می‌کند که در جامعه سوئد خوب ادغام شده‌اند و احساس آنها در مورد تعلق به گروه قومی ایرانی ضعیف به نظر می‌رسد.

احمدی (۲۰۱۳) میل به هویت چندفرهنگی را در سوئد نشان داده‌است. ادیبی (۲۰۰۳) نیز در استرالیا نشان داده‌است که جوانان ایرانی عموماً

1. Kooklan

جدید مواجه شوند. از این رو، نسل دوم یا هویت ایرانی خود را پنهان کرده و یا خود را با ریشه‌های تاریخی معرفی می‌کند.

همچنین به نظر احمدی و احمدی (۲۰۱۰) ایالات متحده یک کشور بسیار میهن‌پرست و ملی‌گراست. آمریکایی‌ها بسیار به تاریخ و کشور خود افتخار می‌کنند. مباحث به میراث خود و تاریخ آمریکا فقط یک جنبه مثبت در ایالات متحده نیست بلکه یک نیاز لازم برای آمریکایی بودن است و شیوه‌ای است که با هویت آمریکایی عجین شده‌است. این امر برای نسل دوم ایرانیان در ایالات متحده پیامدهایی به دنبال دارد. اینکه چگونه هویت خویش را ایجاد می‌کنند و به میراث خود افتخار می‌کنند. در نتیجه، ایرانیان در ایالات متحده وادار می‌شوند تاریخی بنا کنند که بتوانند به آن افتخار کنند. برعکس، سوئد یک کشور بسیار غیرمیهن‌گرا است. سوئدی‌ها به ندرت به «سوئدی» بودنشان افتخار می‌کنند. برای مثال تقریباً غیرمتمدنانه است که پرچم سوئد به اهتزاز درآید یا سرود ملی سوئد با صدای خیلی بلند خوانده شود. یک سوئدی هیچ‌کاری با دستاوردهای تاریخی امپریالیستی یا امپراتوری‌ها ندارد. جدای از حرف زدن به زبان سوئدی و یادگیری رسوم کشور، هیچ میراث دیگری برای سوئدی نامیدن کسی لازم نیست.

تحرك سعودی یکی دیگر از مفاهیم تحلیل شده در پژوهش‌هاست. بزرگمهر و داگلاس (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که در مطالعات مهاجران نسل اول، مردان دستاورد تحصیلی بیشتری نسبت به زنان دارند؛ اما این الگو در مورد نسل دوم تمایل به معکوس شدن دارد. یک نمونه‌گیری با مقیاس بزرگ از نسل دوم در کالیفرنیا، جنوبی نشان می‌داد که زنان تمایل دارند تا سطوح بالاتری از تحصیلات نسبت به هم‌تایان مردشان را کسب کنند. بر اساس نتایج او، دستاورد تحصیلی زنان نسل دوم، بر هم‌تایان مردشان برتری دارد. این مطالعه، نشان داده است که شکاف بین زنان و مردان نسل دوم در موفقیت تحصیلی، منزلت و درآمد شغلی کاهش یافته‌است.

شاید همراهی قومی، خوردن غذای ایرانی، گوش دادن به موسیقی ایرانی، جشن تعطیلات و سایر تعاملات اجتماعی به آنان هویت قومی اعطا می‌کند. با این حال، داشتن یک هویت قومی - فرهنگی برجسته به این معنی نیست که نسل دوم هویت قومی - سیاسی برجسته نیز دارند. هویت سیاسی قومی برجسته از طریق عمیق نمودن خاطرات جمعی ایرانی رشد می‌کند؛ مثلاً داستان‌ها و تجارب انقلاب. این حافظه جمعی ممکن است آنها را برای فعالیت در تشکل‌های ایرانیان و شرکت در فعالیت‌های سیاسی به نمایندگی از گروه خود برانگیزاند.

یکی دیگر از عناصر مفهومی اصلی، که در نتیجه‌گیری پژوهش‌ها اهمیت دارد، بحران هویت است. در حالی که برخی از مطالعات، هویت چندفرهنگی نسل دوم در استرالیا (ادیبی، ۲۰۰۳) و سوئد (احمدی، ۲۰۱۳) را تشخیص داده‌اند، برخی دیگر بحران هویت این نسل را در آمریکا تحلیل می‌کنند (احمدی و احمدی، ۲۰۱۰؛ احمدی، ۲۰۱۳).

دلایل بحران هویت نیز در برخی پژوهش‌ها تحلیل شده‌است که عمدتاً دلایل کلان و بین‌المللی است. بر اساس این پژوهش‌ها، جوامع میزبان، چندفرهنگی یا تک‌فرهنگی بودن آنها، آرمان‌سازی هویتی در آنها، تبعیض و نقش رسانه‌های داخلی و جریان‌سازی‌های بین‌المللی برخی از عواملی هستند که ابعاد بحران هویت نسل دوم ایرانیان خارج از کشور را شکل می‌بخشند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین نگرش منفی آمریکایی‌ها در مورد آنها و تنش‌های بین دو کشور، از جمله دلایل دیگر است (احمدی، ۲۰۱۳).

به نظر کمایی (۲۰۰۹) نیز روابط تنش‌آلود ایران و آمریکا در چگونگی هویت یابی نسل دوم مؤثر بوده است. با وجود این که ایران هیچ نقشی در حوادث ۱۱ سپتامبر نداشت اما ایرانیان اغلب به عنوان «شر»، «شوم» و به طور کلی «خارجی» محسوب می‌شوند. این مسائل باعث شده است نسل جدید با مسائلی

بحث و نتیجه‌گیری

نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه است و سیاست‌گذاری برای نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین هدف‌های توسعه‌ای محسوب می‌شود.

احساس و گرایش مثبت به درون‌گروه، شناخت از ابعاد هویتی، آمادگی برای عمل به نفع درون‌گروه و فعالیت ملی-سیاسی برجسته در زمینه‌های رقابتی، از جمله سیاست‌گذاری‌های فرهنگی هستند که منجر به احراز هویت و انسجام اجتماعی نیروهای انسانی شده و از این طریق، پیشرفت و توسعه جامعه محقق می‌شود. از این رو، موضوع نسل دوم ایرانیان خارج از کشور، به‌عنوان نیروی انسانی، اهمیت می‌یابد. طبق یافته‌های پژوهش در تعریف مفهومی نسل دوم، از به دنیا آمدن در جامعه مقصد با خارجی بودن حداقل یکی از پدر و مادر و یا وارد شدن به جامعه میزبان در سنین کودکی، استفاده شده است و مفهوم ذهنیت نسلی بدون محدودیت سنی در پژوهش‌ها به‌کار رفته است.

به تعبیر بلس در ذهنیت نسلی، گرایش‌ها، ذائقه‌های اجتماعی، ایژه‌ها و آرمان‌ها در هر نسل متفاوت است و هر نسل با ترجیح دادن منابع معرفتی، اجتماعی و به تعبیری دیگر، ایژه‌هایی که متعلق به اوست، خود را متعلق به شرایط و فضای فرهنگی و اجتماعی خاصی می‌داند که متفاوت از دیگری است. (شفرز، ۱۳۸۸: ۶). از این رو، با توجه به «ذهنیت نسلی» (بلس، ۱۳۸۰) و «تجربه سازنده» هر نسل (اینگلهارت، ۱۳۷۳) می‌توان نسل دوم را تشخیص داد.

اما نکته مورد توجه در این تعریف از نسل، گروه‌های متفاوت سنی است و تنها ویژگی مشترک و تجربه سازنده آنها، رشد در جامعه میزبان است. با توجه به تعریف نسل بر اساس گفتمان‌ها و تجربه سازنده منحصربه‌فرد، ضروری است برای تحلیل‌های دقیق، که گفتمان‌های اجتماعی متفاوت را در این نسل‌ها تحلیل کند، گروه‌های

سنی محدود شوند.

نظریات مورد استفاده در پژوهش‌ها بیشتر جامعه‌شناختی است که ساخت هویت را با توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی تحلیل می‌کنند. اکثر نظریات جامعه‌شناسی به‌کاررفته نظریات خرد هستند و تنها ۲۰ درصد با دیدگاه‌های کلان جامعه‌شناسی، موضوع را تحلیل کرده‌اند.

روش نمونه‌گیری بیشتر پژوهش‌ها گلوله برفی بوده که نشان‌دهنده دشواری اجرای روش‌های تصادفی در این جمعیت آماری است. همچنین روش تحقیق عموماً کیفی و سطح تحلیل در بیشتر پژوهش‌ها، خرد و میانه بوده است.

تحلیل ویژگی‌های هویتی قومی و ملی، عوامل انطباق نسل دوم، عوامل بر سازنده هویت و بحران هویت، مطالعه تطبیقی هویت نسل دوم، تحلیل وقایع بین‌المللی و نقش رسانه در برساخت هویت و تحرک صعودی نسل دوم عناصر مفهومی اصلی پژوهش‌ها بوده است.

در تحلیل عوامل بازسازنده هویت نسل دوم، عوامل خرد، مؤلفه‌های کلان و تلفیق عوامل خرد و کلان به عنوان عوامل انطباق نشان داده شده است.

تحلیل بحران هویت نشان داد در مطالعات سوئد و استرالیا الگوی یکپارچه هویتی در نسل دوم قابل‌شناسایی است اما مطالعات مربوط به نسل دوم در کشور آمریکا، بحران هویت و پنهان‌سازی هویت را تشخیص داده‌اند.

پژوهش‌هایی که بحران هویت را در آمریکا شناسایی کرده‌اند، عوامل این بحران را مسائلی خرد مثل سن ورود، جنسیت و گروه‌های مرجع نمی‌دانند بلکه عوامل کلان را برای تبیین این پدیده به‌کار برده‌اند؛ عواملی مثل جریان-سازی رسانه‌های بین‌المللی و ساخت دیگری از اسلام و ایران.

بر اساس نظریه تاجفل، به منزله یکی از مهم‌ترین نظریات هویتی، هویت در ابعاد احساس شناخت و آمادگی برای عمل، تنها در ۲۰ درصد مقالات تبیین شده

است. یک مقاله در سطح خرد، احساس و آگاهی در این نسل را تحلیل می‌کند و معتقد است گرایش مثبت به ایران در این نسل وجود دارد و البته این پژوهش افزایش تعلق به ایران را با افزایش سن نشان داده‌است. همچنین، یک مقاله آمادگی برای عمل جمعی در مقابل تبعیض‌ها و تعصبات را در قالب تشکیل انجمن‌ها تحلیل کرده و نشان داده‌است که به رغم وجود احساس و تعلق ملی، آمادگی برای عمل در زمینه رقابتی و دفاع از هویت ملی در برابر تبعیض‌ها کمتر وجود دارد.

بر اساس نتایج، درحالی‌که بیشتر پژوهش‌ها در سطح تحلیل خرد و میانه قرار دارند و هویت ملی بر اساس مؤلفه‌هایی مثل سن کودک هنگام ورود، محل تولد، زبان، ارتباط با ایرانیان و اعضای خانواده ایرانی، طبقه اجتماعی والدین، قصد بازگشت به ایران، گروه‌های مرجع، پیوستگی با خانواده در ایران و مدت اقامت، تحلیل شده‌است اما این مؤلفه‌ها بحران هویت در نسل دوم را تبیین نمی‌کنند.

تقریباً تمام پژوهش‌هایی که جامعه مطالعه آنها آمریکا بوده، بحران هویت را تشخیص داده‌اند. پنهان کردن هویت در فضای اجتماعی، درک متناقض از هویت، چند پارگی هویت و معرفی با ریشه‌های تاریخی واژگانی هستند که پژوهش‌ها برای نشان دادن بحران هویت استفاده کرده‌اند. پژوهش‌هایی که بحران هویت این نسل را تحلیل کرده‌اند همگی به عوامل کلان اشاره داشته‌اند.

تبعیض و تعصب در جامعه میزبان، کلیشه‌سازی علیه ایران، ساخت دلالت‌های منفی از ایرانیان و اسلام، استفاده از رسانه‌های قدرتمند برای بازنمایی ایران و اسلام و تأثیر آنها بر هویت‌سازی این نسل، مؤلفه‌هایی هستند که در شناخت بحران هویت این نسل در پژوهش‌ها استفاده شده‌اند و اتفاقاً نویسندگان غیر ایرانی این ابعاد را تحلیل کرده‌اند.

به نظر می‌رسد نظریه‌هایی که تاکنون برای شناخت و تبیین این نسل به کار رفته‌اند نظریاتی محافظه‌کارانه و در

سطح میانه هستند که اکثراً به توصیف وضع موجود پرداخته‌اند اما کمتر توان تحلیل بحران هویت این نسل را به خصوص در آمریکا داشته‌اند.

به نظر می‌رسد، نظریه شرق‌شناسی نظریه‌ای است که واقعیت بحران هویت در نسل دوم ایرانیان خارج از کشور در آمریکا را تبیین می‌کند. ادوارد سعید با مطرح کردن شرق‌شناسی به چگونگی بازنمایی شرق و اسلام در افکار عمومی و رسانه‌ها می‌پردازد. سعید تأکید می‌کند که غرب همواره به بازنمایی خود انگاره مثبت غربی در برابر خود انگاره منفی «دیگری» شرقی (مسلمانان) در رسانه‌ها می‌پردازد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰۹) و منابعی مثل رسانه‌ها، فیلم‌ها با کلیشه‌سازی از مسلمانان برای ایجاد ارتباط بین فرهنگی میان آمریکا و مسلمانان ممانعت ایجاد می‌کنند (جنت^۱، ۲۰۰۷: ۲۲۲). به نظر او رسانه‌ها آنچه خود می‌خواهند درباره اسلام می‌گویند. در تعریف آنان اسلام عبارت است از: بنیادگرایی و تروریسم. این دو که جامعه آمریکا از خلال آن خود را تعریف می‌کند، مؤلفه‌هایی هستند که بحران هویت در نسل دوم را در آمریکا قوت می‌بخشند.

در یکی از پژوهش‌ها (احمدی و احمدی، ۲۰۱۰) اشاره شده است که ایالات متحده یک کشور بسیار میهن‌پرست و ملی‌گراست. آمریکایی‌ها بسیار به تاریخ و کشور خود افتخار می‌کنند. مباحثات به میراث خود و تاریخ آمریکا فقط یک جنبه مثبت در ایالات متحده نیست بلکه یک نیاز لازم برای آمریکایی بودن است و با هویت آمریکایی‌ها عجین شده‌است. در این پژوهش نشان داده می‌شود که آمریکا برای هویت خود به تعریف دیگری اسلام و ایرانی که فرودست باشد، نیازمند است. به نظر استوارت هال نیز غرب، بدون «دیگران» قادر نخواهد بود خود را به منزله اوج تاریخ بشر بشناساند و بنمایاند. «دیگری» سویه تاریک، فراموش شده، سرکوب و نفی شده؛ تصویر معکوس روشنگری و مدرنیته است

(هال، ۱۳۸۶).

چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.

دوران، بهزاد و محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). «هویت؛ رویکردها و نظریه‌ها، مبانی نظری هویت و بحران هویت». به اهتمام علی‌اکبر علیخانی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی. صص ۱۴۴-۸۱

رکس، جان (۱۳۸۰). «اقلیت‌های قومی و دولت ملی: جامعه‌شناسی سیاسی جوامع چندفرهنگی». ترجمه محمدسعید ذکائی. *فصلنامه مطالعات ملی*. سال دوم. صص ۱۸۶-۱۶۱.

شفرز، برنهارد (۱۳۸۸). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*. ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نشرنی.

صباغ‌پور، علی‌اصغر (۱۳۸۱). «جهانی شدن، حاکمیت ملی و تنوع قومی در ایران». *مطالعات ملی*. سال سوم. صص ۱۶۴-۱۴۳.

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۹). «توسعه و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*. سال هفتم. شماره ۲۱. صص ۲۹-۱۱.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص: هویت شخصی* در عصر جدید. ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

لهسایی‌زاده (۱۳۷۲). *نظریات مهاجرت*. شیراز: نشر نوید. لی، اورت (۱۳۷۲). «یک نظریه مهاجرت». ترجمه بیژن زارع، در لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۲). *نظریات مهاجرت*. شیراز: نشر نوید.

مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۹). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*. تهران: نشر همشهری.

هال، استوارت (۱۳۸۶). *غرب و بقیه: گتتمان و قدرت*. ترجمه محمود متحد. تهران: نشر آگه.

از این رو، با در نظر گرفتن شرایط ساخت هویت که از تمایز بین خود و دیگری شکل می‌گیرد، آمریکا برای دست یافتن به مباحث ملی، خود را در تمایز با شرق و اسلام بنا می‌کند و در این ساختار اجتماعی است که هویت نسل دوم در آمریکا شکل می‌گیرد، بافتی که پژوهش‌ها تا حدی آن را نادیده گرفته‌اند.

برای دستیابی به انسجام فرهنگی در این گروه و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در خصوص آنان ضروری است بحران هویت در این گروه با استفاده از رویکردهای کلان، شرق‌شناسی و گفتمان اسلام‌هراسی در آمریکا تحلیل شود.

منابع

اشتریان، کیومرث (۱۳۸۱). *روش سیاست‌گذاری فرهنگی*. تهران: کتاب آشنا.

اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر. بالس، کریستوفر (۱۳۸۰). «ذهنیت نسلی». ترجمه حسین پابنده. *مجله ارغنون*. شماره ۱۹. صص ۳۰-۱.

بشیری، حسین (۱۳۷۹). *نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم*. تهران: نشر فرهنگی آینده.

توکلی، عاصفه (۱۳۹۱). «میزان و عوامل درک واژگان و ساخت‌های زبانی فرهنگ بنیاد برنامه‌های کودک شبکه جام‌جم در میان کودکان ایرانی خارج از کشور». مرکز تحقیقات صدا و سیما.

توکلی، عاصفه، عبدالملکی، جعفر و منصف‌پور، محمدمهدی (۱۳۹۰). «هویت مهاجران، تأملی در هویت نسل دوم ایرانیان مهاجر». *مطالعات ملی*. سال دوازدهم. شماره ۳. صص ۱۶۸-۱۴۹.

جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه.

- Adibi, Hosein (2003). Identity and Cultural Change: The Case of Iranian Youth in Australia. In Bradley, Rebecca, Lyddon, Jeff, & Buys, Laurie (eds.). *Social Change in the 21st Century*. 21 November 2003. Queensland University of Technology. Brisbane.
- Ahmadi, Babak. (2013). "How Second Generation Iranians Understand Their National and Ethnic Identity? A Comparative Study of the Impact of the Host Society :the case of Sweden and the United States". Uppsats, Grundnivå (kandidatexamen). arbete Degree project Social work. PECIALISATION in International Social Work. University of Gävle.
- Ahmadi, Fereshteh and Ahmadi, Babak. (2010). "Ethnic identity: In what extent? A study of the second-generation with Iranian Background". Department of Social Work and Psychology. Faculty of Health and Occupational Studies. University of Gävle.
- Borgatta, E. (1992). *Encyclopedia of sociology*. N.Y Macmillan publishing company. vol 2.
- Bozorgmehr, Mehdi & Daniel, Douglas. (2010)."Success(ion): Second- Generation Iranian Americans". *Iranian Studies*.Volume 44. Issue 1. pp. 3-24.
- Ferdman, B. M. & Horenczyk, G. (2000). *Cultural Identity and Immigration: Reconstructing the group during cultural transitions*. In E. Olshtain & G. Horenczyk (eds.). Language, Identity, and Immigration. Jerusalem: Hebrew University Magnes Press. pp. 81-100.
- Hall, Stuart. (2000). *Who Needs Identity?* In Paul du Gay, Jessica Evans, & Peter Redman (eds.). *Identity: A reader*. London: Sage.
- Harden, A. Thomas, J. (2005). "Methodological Issues in Combining Diverse Study types in Systematic Reviews". *Internal Journal of Social Research Methodology*. Vol. 8. No. 3. pp. 257-271.
- Howard, Judith (2000). "Social Psychology of Identity". *Annual Review of Sociology*. vol 26. pp. 367- 393.
- Jandt, Fred E. (2007). *An Introduction to Intercultural Communication*. London: Sage Publication.
- Komaie, Golnaz. (2009). "The Persian Veil: Ethnic and Racial Self-Identification among the Adult Children of Iranian Immigrants in Southern California". University of California, Irvine.
- Kooklan, Lila. (2014). "Identity Salience: A Probe Study of Second Generation Iranian Americans in Southern California". University of California, Irvine.
- Mahdi, Aliakbar. (1997). "Determinants of Adaption For Second Generation Iranians". *CIRA Bulletin*. vol 13. no 1.
- Mahdi, Aliakbar. (1998). "Ethnic Identity among Second-Generating Iranian in the United States". *Iranian studies*. vol 31. number 1. pp 77-95.
- Noblit, GW. and Hare, RD. (1988). *Meta-Ethnography: Synthesizing Qualitative Studies*. London: Sage.
- Paterson, BL., Thorne SE., Canam, C. and Jillings, C. (2001). *Meta-Study of Qualitative Health Research: A Practical Guide to Meta-Analysis and Meta-Synthesis*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Petticrew, M. & Roberts, H. (2006). *Systematic Reviews in the Social Sciences: A practical guide*. Malden, MA: Blackwell.
- Robertson, D. (1993). *A Dictionary of Modern Politics*. Europa publication.
- Sandelowski, M. and Barroso, J. (2006). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. New York, NY: Springer.
- Sandelowski, M., Voils, CI., and Barroso, J (2007). "Comparability work and the Management of Difference in Mixed Research Synthesis". *Social Science & Medicine*. Volume 64. Issue 1. pp 236-247.
- Thomas, J. & Harden, A. (2008). "Methods Research in Systematic Reviews". *Medical Research Methodology*. Volume 8. No. 45. pp1-10.
- Zhou, M. and Cai, G. (2002). "Chinese Language Media in the United States: Immigration and Assimilation in American Life". *Qualitative Sociology*. Vol. 25. No. 3. pp 419-440.

